

بستانفدا

سوزمین  
۳  
بچه‌های سوزدا

تونل وحشت جهانی

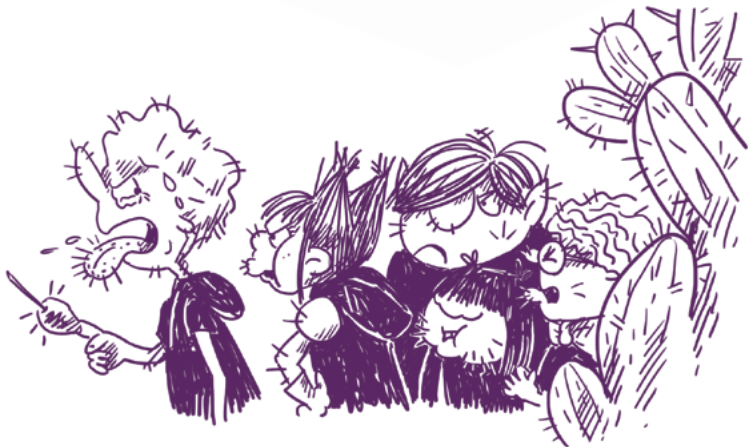
هوپا  
Hoopa

# سبز زمین بچه‌های سبز دار

تونل وحشت جهانی

شاهرخ گیوا

تصویرگران: شیوا نیتری، نرگس صفری





آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.  
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ info@hoopa.ir www.hoopa.ir  
همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.  
استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.



سرشناسه: مرزوقی، شاهرخ، ۱۳۵۵ -  
عنوان و نام پدیدآور: تونل وحشت جهانی / شاهرخ گیوا!  
تصویرگران: شیوا نیری، نرگس صفری.  
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۶۷۱-۲-۲  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
موضوع: داستان‌های نوجوانان فارسی -- قرن ۱۴  
Young adult fiction, Persian -- 20th century  
شناسه افزوده: نیری، شیوا، ۱۳۵۹ -، تصویرگر  
شناسه افزوده: صفری، نرگس، ۱۳۶۴ -، تصویرگر  
رده‌بندی کنگره: PIR۸۲۰۳  
رده‌بندی دیویی: ۸۲۰۳۷۴۲ [ج]  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۶۵۸۲۸۵



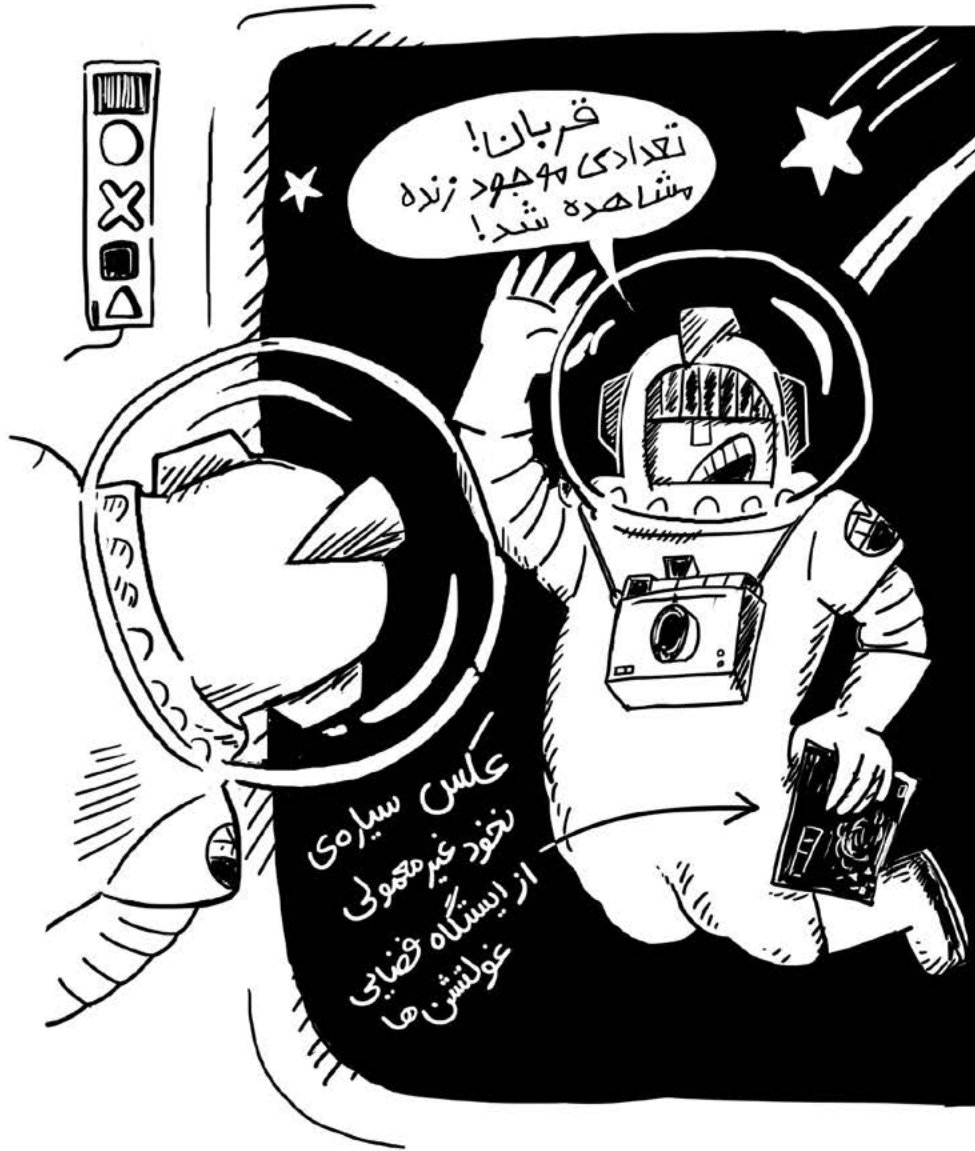
نویسنده: شاهرخ گیوا  
تصویرگران: شیوا نیری - نرگس صفری  
ویراستار: درنا فریبرز  
طراح گرافیک: شیمیا هاشمی - شیوا نیری  
ناظر چاپ: سینا برازوان  
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳  
تیراژ: ۵۰۰ نسخه  
قیمت: ۲۵۵۰۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۶۷۱-۲-۲

به طرف سرزمین  
بچه‌های ضرردار ۳



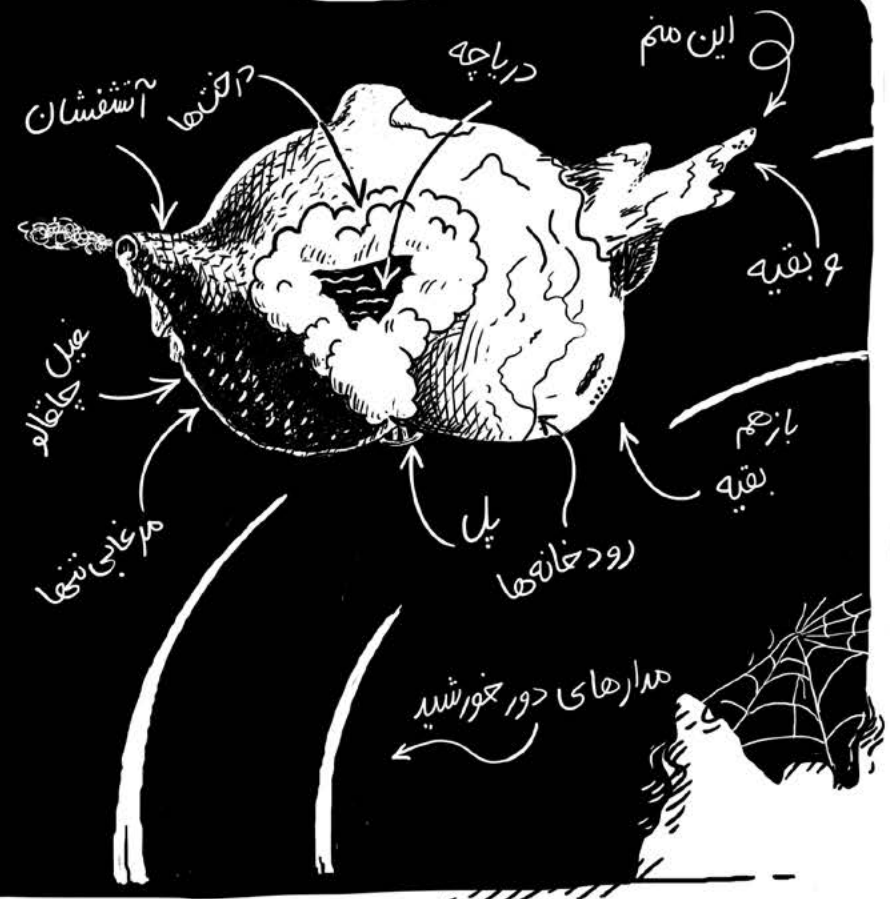


سیاره‌ی نخود غیر معمولی، از ایستگاه فضایی غولش‌ها



قربان!  
تعدادی نخود زنده  
مشاهده شد!

عکس سیاره‌ی  
نخود غیر معمولی  
از ایستگاه فضایی  
غولش‌ها



این هم  
دریاچه  
دانه‌ها  
آشفتشان  
باقیه  
باز هم باقیه  
رودخانه‌ها  
پل  
مدارهای دور خورشید  
مدارهای درونی  
صبا چاهالو  
در غالی‌توها

حتماً می‌توانید حدس بزنید در این مدت که نبودیم چه اتفاقاتی افتاده است. درست است، ما حالا روی سیاره‌ی نخود غیرمعمولی

زندگی می‌کنیم.

با کمک تربیتی و بشقاب‌پرنده‌اش



و پاکورناتوره‌ای‌ها هر چیزی که احتیاج داشتیم از کره‌ی زمین آوردیم.



یک پل

یک رودخانه با تعدادی تمساح



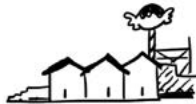
تعداد زیادی درخت



یک رشته‌کوه آتشفشان‌دار



کارخانه‌ی شکلات‌سازی





تعدادی حیوان

لنگه کفش گم شده



مصالح ساختمانی



و یک برج میلاد برای سیاره‌ی نخود غیر معمولی

☆ حالا یک خبر خوب:

تعدادی از نابغه‌های پاستیلی به این‌جا آمده‌اند.



مخترع نخود غیر معمولی



نابغه‌ی شاعر مسلک



طرفداران بارسا



فریزر

که موقع سوار شدن به بشقاب‌پرنده



و نابغه‌ی خال‌خالی

خال‌خالی شد!

☆☆ و حالا خبر خوب بعدی:

به قول توکا برایتان یک‌عالمه ماجراهای شگفتی‌دار داریم. ماجراهای این دفعه را من تعریف می‌کنم. من جهان‌جان جانِ جهان هستم. حتماً توافق من و توکا یادتان هست.



☆☆☆ و خبر مهم‌تر این که ما روی سیاره‌ی نخود غیر معمولی یک تونل وحشت جهانی ساخته‌ایم.



تونل وحشتی که اگر پا تویش بگذارید، دندان‌هایتان از ترس تریک‌تریک به هم می‌خورد، قلبتان گرومپ‌گرومپ می‌کوبد و شلوارتان خیس می‌شود! منظور مؤدبانه‌ام این است که کنترل ادرارتان را از دست می‌دهید.

فعلاً نمی‌خواهم درباره‌اش حرف بزنم؛ همین را داشته باشید تا بعد:

#### نام پروژه: تونل وحشت جهانی

مدیر پروژه: جهان‌جان جان جهان

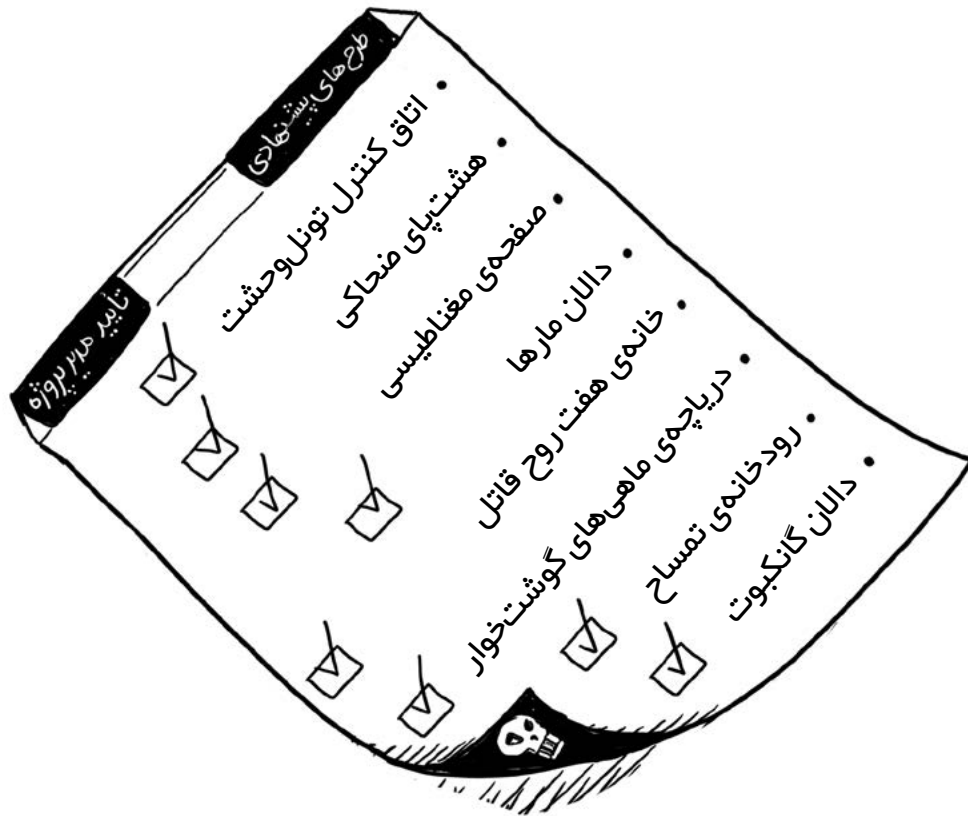
مهندس پروژه: توکا

منشی پروژه: تریتی

مجری پروژه: گادم‌ها، نابغه‌های پاستیلی و پاپکورن‌توره‌ای‌ها

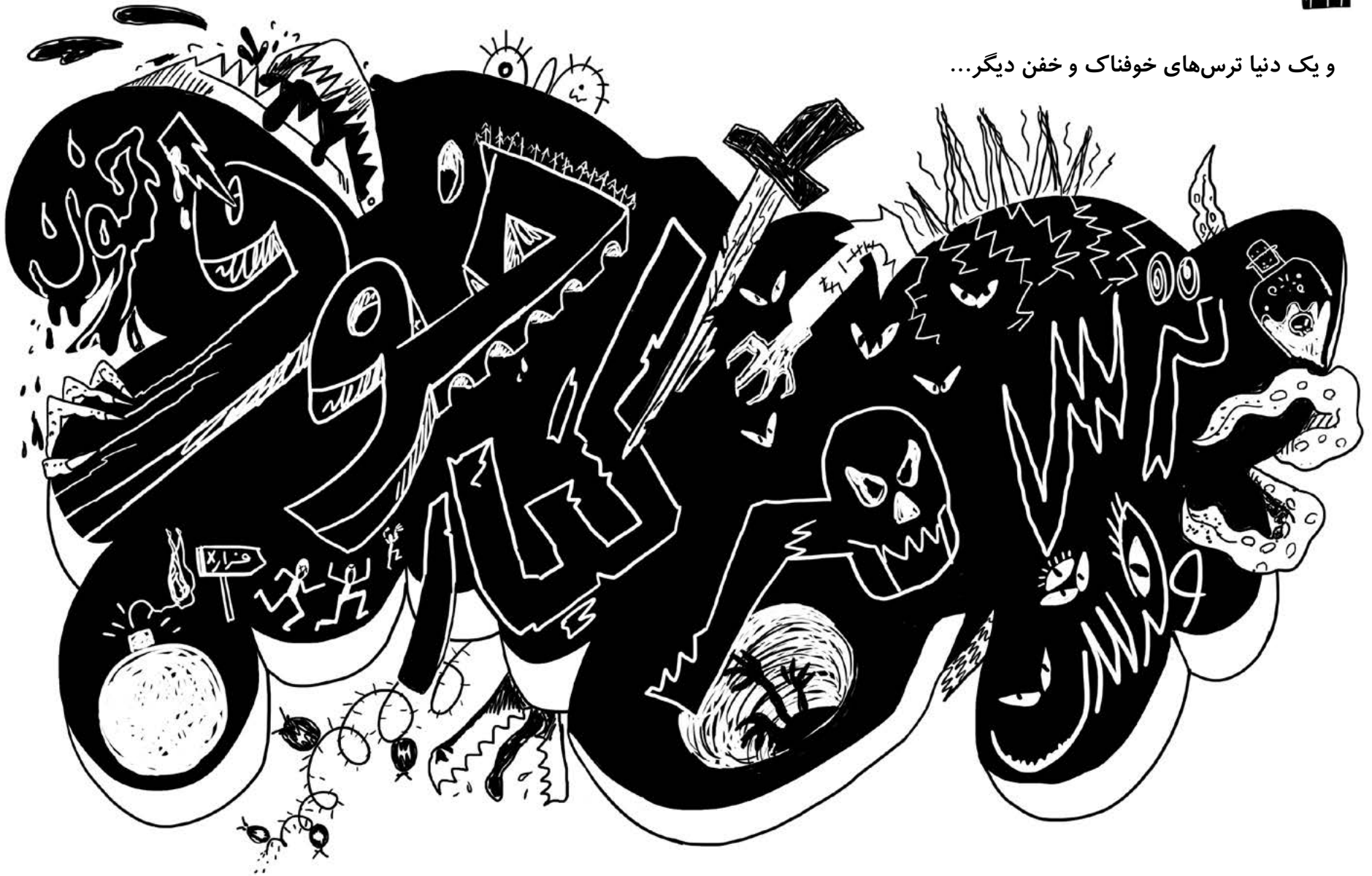
زمان اجرای پروژه: از پایان جلد ۲ کتاب تا الآن

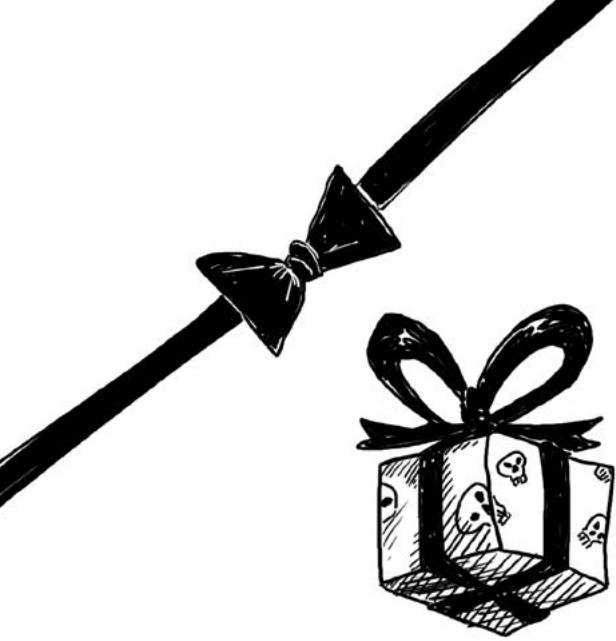
راستش را بخواهید من هم نمی‌دانم تونلمان چقدر وحشتناک از کار درآمدہ است. اما توکا که مهندس پروژه است قول داده وحشتناک‌ترین تونل وحشتِ جهان را تحویل بدهد. من هم به‌عنوان مدیر پروژه با طرح‌ها و نقش‌ها و ایده‌هایش موافقت کرده‌ام.





و یک دنیا ترس‌های خوفناک و خفن دیگر...





فردا روز خیلی شلوغی در پیش داریم؛ چون هم روز تولد من است، هم روز افتتاح تونل وحشت. پاستیلی‌های سیاره‌ی نخود غیر معمولی الاوبلا همین فردا می‌خواهند تونل وحشت را افتتاح کنند. می‌دانم چرا این قدر اصرار می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند به خاطر روز تولدم سورپرایزم کنند. مطمئنم توی تونل برایم یک عالمه هدیه‌های باحال گذاشته‌اند.

فکرش را بکنید: یکهو توی تار عنکبوت گیر می‌کنم و بعد سروکله‌ی یک عنکبوت غول‌آسا پیدا می‌شود. عنکبوت یواااش یوااااش یوااااش جلو می‌آید و درست وقتی که قرار است من را بخورد، نمی‌خورد و در عوض بهم یک هدیه‌ی باحال می‌دهد. خیلی کیف دارد، این طور نیست؟



طاقت ندارم تا فردا منتظر بمانم. دل توی دلم نیست. فردا حتماً روز فوق‌العاده‌ای خواهد بود. آرزو می‌کنم فردا زودتر از راه برسد. «فردا» چون می‌داند روز تولدم چقدر برایم مهم است، آرزویم را برآورده می‌کند و خیلی زود از راه می‌رسد.



فردا:

صبح زود، قبل از این که ساعت زامبی کوکو کند، توکا می‌آید سراغم.

- یاا جان... پاشو، دیگه وقتشه.

- وقت چی؟

- وقتشه تونل وحشت جهانی مون رو افتتاح کنیم.



فوراً عینک دیدِ فوق‌العاده می‌بینم. همین‌جور که شما هم می‌بینید متأسفانه توکا هیچ هدیه‌ای برایم نیاورده است.

حتی زیر پیراهنش هم هیچ چیزی مخفی نکرده. پس فعلاً از هدیه‌ی تولد خبری نیست.





راستش را بخواهید از توکا توقع ندارم به این زودی هدیه‌ی تولدم را بدهد. پس همین جور که او به روی خودش نمی‌آورد، من هم به روی خودم نمی‌آورم. لباس مخصوص تونل وحشت را می‌پوشیم و با هم می‌رویم تا آن را افتتاح کنیم.

قیچی خطرناک

بیش زنده  
مراسم افتتاح  
تونل وحشت جهانی

محل  
سخنرانی

خونگی

همان قیچی

بادا بادا ۱۱۱۱  
مبارک بادا ۱۱۱۱...  
هورا ۱۱۱۱  
مبارکه  
عالی سی  
دمنون گدم  
خیابا  
خیاباله  
دفعوی بگو: تونل وحشت گمشانی!

لطفاً سکوت را رعایت کنید

خوش اومدین

اتاق کنترل سیار

لیاس و بلیت رایگان

۹۶۹۹

خونگی

بیش زنده

مراسم افتتاح  
تونل وحشت جهانی

محل سخنرانی

خونگی

همان قیچی

بادا بادا ۱۱۱۱  
مبارک بادا ۱۱۱۱...  
هورا ۱۱۱۱  
مبارکه  
عالی سی  
دمنون گدم  
خیابا  
خیاباله  
دفعوی بگو: تونل وحشت گمشانی!

لطفاً سکوت را رعایت کنید

خوش اومدین

اتاق کنترل سیار

لیاس و بلیت رایگان

۹۶۹۹

خونگی

بیش زنده

مراسم افتتاح  
تونل وحشت جهانی

محل سخنرانی

خونگی

همان قیچی

بادا بادا ۱۱۱۱  
مبارک بادا ۱۱۱۱...  
هورا ۱۱۱۱  
مبارکه  
عالی سی  
دمنون گدم  
خیابا  
خیاباله  
دفعوی بگو: تونل وحشت گمشانی!